

## بررسی عوامل زمینه‌ساز طلاق در بافت اجتماعی فرهنگی شهر تهران،

### پژوهشی کیفی

زهرا اخوی ثمرین<sup>۱</sup>

کیانوش زهراکار<sup>۲</sup>

فرشاد محسن زاده<sup>۳</sup>

خدابخش احمدی<sup>۴</sup>

دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۰۴/۲۷

پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۰۹/۰۱

### چکیده

این پژوهش با هدف بررسی عوامل زمینه‌ساز طلاق در بافت اجتماعی فرهنگی شهر تهران انجام شد. این مطالعه از نوع پژوهش‌های کیفی است که با استفاده از روش نظریه داده بنیاد انجام شده است. بدین منظور با روش نمونه‌گیری هدفمند و با استفاده از روش مصاحبه نیمه ساختاریافته داده‌ها جمع‌آوری شد و تا رسیدن به اشباع نظری ۲۲ نفر از واجدان شرایط مورد بررسی قرار گرفتند. برای دستیابی به عوامل، تحلیل داده‌ها با استفاده از فنون استراوس و کرین انجام شد که شامل شناسه‌گذاری مفاهیم و شکل دادن به نظریه است. تجزیه و تحلیل داده‌ها در شناسه‌گذاری باز، به شناسایی عوامل اصلی، مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌ها منجر شد. نتایج نشانگر این است که عدم عشق و صمیمیت، مقوله مرکزی الگوی یافته‌های پژوهش است. مقوله عدم آمادگی برای ازدواج و طی نکردن درست فرایند ازدواج جزء شرایط علی برای ازدواجهای در حال فروپاشی است؛ مسائل فرهنگی و مسائل اقتصادی در زیر شرایط مداخله‌گر قرار گرفت و مقولاتی از قبیل اعتیاد، ساختار نامناسب خانواده کنونی، عدم سازگاری زناشویی، عوامل و مشکلات جنسی، ارتباط نامناسب با خانواده‌های اصلی، پیشینه خانوادگی و مشکلات شخصیتی از جمله عوامل زمینه‌ای مؤثر در طلاق بود. نتایج نشان داد که به‌کارگیری راهبردهای ارتباطی و هیجانی ناکارآمد به پیامدهایی همچون احساس خستگی، تنهایی، ناامیدی و احساس تنفر از همسر و در نهایت میل به طلاق منجر شد.

کلیدواژه‌ها: عوامل طلاق، مشکلات زناشویی و ازدواج، طلاق در شهر تهران، بافت اجتماعی تهران.

۱ - نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری مشاوره و راهنمایی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

zahra\_akhavi@yahoo.com

dr\_zahrakar@yahoo.com

farshadm56@gmail.com

kh\_ahmady@yahoo.com

۲ - دانشیار گروه مشاوره دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

۳ - استادیار گروه مشاوره دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

۴ - استاد مرکز تحقیقات علوم رفتاری دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله (عج)، تهران، ایران

## مقدمه

یکی از مهمترین روابط انسانی، روابط مربوط به خانواده است که سامانه ارتباطی منحصر به فردی دارد و یگانه سامانه اجتماعی است که اعضای آن تحت تأثیر عوامل زیستی، قانونی، هیجانی، جغرافیایی و تاریخی قرار می‌گیرند (حمیدی و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰) و در پی آن ازدواج نیز حساسترین رابطه خانوادگی قلمداد می‌شود. این حساسیت نه تنها در کسب و حفظ صمیمیت بلکه در حفظ ساختار ازدواج نیز خود را نشان می‌دهد (المند<sup>۲</sup>، ۲۰۰۸؛ وای و ییپ<sup>۳</sup>، ۲۰۰۹). تأثیرات مثبت ازدواج بر بهزیستی و سلامت افراد در مطالعات زیادی نشان داده شده است اما تمامی ازدواجها چنین تأثیر مثبتی ندارد (کالمیجن و ماندن<sup>۴</sup>، ۲۰۰۶).

وجود تعارض در روابط بین فردی اجتناب‌ناپذیر است. روابط زناشویی نیز از این امر مستثنی نیست. آنچه اهمیت دارد چگونگی برخورد افراد با تعارض است. افراد در کنترل چنین تعارضهایی به صورت متفاوت عمل می‌کنند (المند، ۲۰۰۸؛ وای و ییپ، ۲۰۰۹) و ناتوانایی برخورد مناسب با تعارضهای موجود، ممکن است افراد را به سمت طلاق سوق دهد.

تصمیم به طلاق نتیجه فشار درونی شدیدی است که حداقل به یکی از همسران وارد می‌شود. چنین فشاری ممکن است از طریق برآورده نشدن نیازها یا اهداف، شیوه‌های مقابله‌ای ضعیف، مدیریت حوادث زندگی یا ناتوانی در انتقال احساسات به همسر باشد (یانگ و لانگ<sup>۵</sup>، ۱۹۹۸). مسائلی که به طلاق منجر می‌شود، ممکن است از آغاز رابطه مشخص و آشکار باشد و یا در طول زمان ایجاد، و تشدید شود (ویلیامسون و همکاران<sup>۶</sup>، ۲۰۱۵). فرایند طلاق در بیشتر مواقع با اختلافات جزئی و تکرار اختلافات و جدی شدن آنها شروع می‌شود و با جدایی یا بی‌میلی یکی از زوجین به طرف مقابل، قهرهای طولانی و تکرار آن، خستگی زوجین از قهرها و درگیریها ادامه پیدا می‌کند و در نهایت به طلاق عاطفی و قانونی ختم می‌شود (باستانی، گلزاری و روشنی، ۱۳۹۰).

امروزه افزایش آمار طلاق نشان می‌دهد که افراد به دلایلی حاضر به حفظ رابطه زناشویی خود

- 
- 1 - Hamidi & et al
  - 2 - Allemand
  - 3 - Wai & Yip
  - 4 - Kalmijn & Monden
  - 5 - Young & Long
  - 6 - Williamson & et al

نیستند و ترجیح می‌دهند طلاق بگیرند (مانیرسکا<sup>۱</sup>، ۲۰۱۶: ۹). بر اساس آمارهای موجود، نسبت طلاق در امریکا ۵۰ درصد، در آلمان ۴۰ درصد و در استرالیا و انگلستان ۴۰ تا ۴۵ درصد گزارش شده است (باکوم و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۰۶: ۴۴۸). متأسفانه، ایران نیز افزایش نامعمولی در آمار طلاق نشان می‌دهد به طوری که چهارمین رتبه طلاق را در جهان دارد (شاکریان و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۱۴: ۳۲۷). افزایش میزان طلاق در ایران بویژه در شهرهای بزرگی چون تهران، زنگ خطر را برای جامعه امروز ما به صدا درآورده است. بر اساس آمار معاون دفتر امور آسیب دیدگان سازمان بهزیستی کشور، طلاق در ایران بین سالهای ۷۵-۷۱ سیر صعودی بسیار آرام داشته و پس از آن به مدت پنج سال این روند تقریباً ثابت بوده و از سال ۸۰ به بعد با شتاب بیشتری نسبت به سالهای گذشته افزایش یافته است به طوری که در سال ۸۸ به گفته مدیر کل دفتر آمار و اطلاعات جمعیت سازمان ثبت احوال کشور رشدی ۱۳ درصدی نسبت به سال ۸۷ داشته است. این در حالی است که میزان طلاق در سال ۸۹ در مقایسه با سال ۸۸ به میزان ۹/۱ درصد رشد داشته و به بیان دیگر در مقابل هر ۶/۵ ازدواج، یک طلاق به ثبت رسیده است. آمارهای ثبت احوال هم‌چنین حاکی است که تهران در مقایسه با دیگر شهرهای ایران از نظر درصد طلاق در مقام اول قرار دارد (چابکی، ۱۳۹۲: ۱۶۰). در سال ۱۳۸۸ در برابر هر چهار ازدواج در تهران یک طلاق به وقوع پیوسته است (مشکی و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۶).

ازدواج در ایران، کارکردهای گوناگون زیستی، روانی، فرهنگی، دینی و اقتصادی دارد (صاحب‌دل، ۱۳۹۴: ۹۱). در واقع در فرهنگ جامعه ایرانی، ازدواج سنتی فطری و الهی است و مصلحت فرد و اجتماع در پیوند زناشویی بین زنان و مردان است. از آنجا که هدف دین مبین اسلام، ایجاد پیوند میان افراد انسانی و تشکیل کانونهای خانوادگی است، طلاق را، که مخالف فطرت و طبیعت انسان و برخلاف قانون پیوند زن و مرد است، مورد نکوهش قرار می‌دهد و شایسته سرزنش می‌شمارد و آن را به عنوان امری می‌غوض نزد خداوند معرفی کرده است (پوراسدی و هاشمی، ۱۳۹۱: ۵۸). بنابراین باید در مورد طلاق و عوامل مؤثر بر آن نیز به ساختار فرهنگی ایران و ویژگیهای آن توجه کرد.

تحقیقات، آثار و پیامدهای عمیق اقتصادی، اجتماعی، روانی، قانونی و والدینی طلاق بر مردان

1 - Marinescu  
2 - Baucom & et al  
3 - Shakerian & et al

و زنان مطلقه، فرزندان و اجتماع را بخوبی نشان داده است (کلانتری، روشن فکر و جواهری، ۱۳۹۰: ۱۱۲). طلاق عامل تنش‌زای بین فردی مهمی است که توان افزایش خطر طیفی از پیامدهای منفی مربوط به سلامت برای خود زوج و فرزندان آنها را دارد و با خطر خودکشی همراه است (اسبارا، هاسلمو و ناجوپراناتو<sup>۱</sup>، ۲۰۱۲؛ گیریناوی و کلارک<sup>۲</sup>، ۲۰۱۷؛ ییپ و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۱۵). در جوامع امروزی طلاق به‌عنوان راهی برای بهبود وضعیت شخص، رها شدن از شریک آزاردهنده و ساختن ارتباطی جدید و موفق نیز در نظر گرفته می‌شود؛ با این حال برای بیشتر افراد، طلاق و وضعیت مربوط به طلاق با کشمکش، تنش و احساس درماندگی و تنهایی همراه است. بسیاری از پژوهشگران ادعا می‌کنند که واکنش‌های افراد نسبت به طلاق ممکن است حتی پس از گذشت سالیان سال از طلاق ادامه پیدا کند و در نتیجه موجب تغییراتی در رفتار، وضعیت مالی و موقعیت زندگی، عاداتهای جنسی و حتی نوع پوشش و آرایش فرد بشود (داداک<sup>۴</sup>، ۲۰۱۳).

امروزه زنان و مردان بدون توجه به اهمیت خانواده و کارکرد آن و هم‌چنین به دلیل عدم دقت در تشکیل آن به محض بروز مشکلات در عوض یافتن راه حلی برای مشکل براحتی سبب از هم گسیختگی خانواده می‌شوند و لذا باید ضمن احساس خطر، قضیه را جدی تلقی، و عواملی را شناسایی کرد که موجب ناسازگاریها و در نتیجه وقوع طلاق می‌شود و با استعانت از نتایج نسبت به حل این معضل اجتماعی چاره‌اندیشی شود. شناسایی عوامل زمینه‌ساز طلاق می‌تواند ما را در این راه یاری رساند. عوامل زمینه‌ساز به موقعیت‌ها، ویژگیها، متغیرها و رویدادهایی اشاره دارد که احتمال وقوع مشکل را افزایش می‌دهد (هاوکینز، کاتالانو و ویز<sup>۵</sup>، ۱۹۹۲). با شناخت عوامل فردی، عوامل خانوادگی، عوامل اجتماعی و عوامل اقتصادی زمینه‌ساز طلاق و ارائه یک الگوی مفهومی که هدف این پژوهش است، می‌توان به این مهم دست یافت. پژوهش با استفاده از روش کیفی در پی پاسخ به این سؤال است: "عوامل زمینه‌ساز طلاق با توجه به بافت فرهنگی اجتماعی کدام است؟"

- 
- 1 - Sbarra., Hasselmo.& Nojopranoto
  - 2 - Greenaway & Clark
  - 3 - Yip & et al
  - 4 - Dudak
  - 5 - Hawkins, catalano & miller

## روش

پژوهش به لحاظ هدف، بنیادی، و به لحاظ روش کیفی است. با توجه به اکتشافی بودن پژوهش و نبود پژوهش در حوزه مورد مطالعه، روش داده بنیاد روش مناسبی است که امکان جمع‌آوری اطلاعاتی عمیق را فراهم می‌کند و می‌تواند به‌عنوان منبعی ارزشمند برای جهت‌دهی پژوهش در مرحله کمی مورد استفاده قرار گیرد (استراوس و کربین، ۱۳۹۱). روش داده‌بنیاد روشی مطلوب برای پژوهش در حوزه‌هایی است که دانش اندکی درباره آنها در دسترس است. این روش بر مبانی فلسفی کنش متقابل نمادین<sup>۱</sup> بنا شده و با هدف ایجاد نظریه جدید یا اصلاح نظریه‌های قبلی با استفاده از داده‌های خام تدوین شده است (کران و پوتنام<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳). مصاحبه نیمه ساخت یافته روشی است که در پژوهش مورد استفاده قرار گرفت. به این شکل که پس از چند مصاحبه مقدماتی، سؤالاتی استخراج شد و در مصاحبه اصلی اول مورد استفاده قرار گرفت. پس از تحلیل اولین مصاحبه، این سؤالات و مفاهیم جای خود را به مفاهیمی داد که از داده‌ها استخراج می‌شد و مبنای گردآوری داده‌ها در مرحله بعد شد. فرایند مصاحبه و تحلیل اطلاعات تا رسیدن به نقطه اشباع نظری ادامه پیدا کرد؛ نقطه‌ای در جریان شکل‌گیری مقوله که تحلیل به یافتن ویژگی جدید، ابعاد تازه و یا روابط جدید منجر نمی‌شود (استراوس و کربین، ۱۳۹۱). با توجه به ادبیات تحقیق، محورهای مصاحبه را در چند دسته قرار دادیم که عبارت است از عوامل زمینه‌ساز (عوامل فردی، عوامل اجتماعی و خانوادگی (خانواده مبدأ) و عوامل رابطه‌ای و فرایندی). البته قبل از شروع هر مصاحبه از مشارکت کنندگان برای شرکت در مطالعه و ضبط صدا رضایت گرفته، و درباره اهداف پژوهش، علت ضبط جلسه مصاحبه، محرمانه ماندن اطلاعات و هویت آنها توضیحات لازم ارائه شد.

برای دستیابی به عوامل، تحلیل داده‌ها با استفاده از فنون استراوس و کربین انجام شد که شامل شناسه‌گذاری مفاهیم و شکل دادن به نظریه است. پیش از آغاز شناسه‌گذاری مصاحبه‌های ضبط شده به صورت جزء به جزء روی کاغذ پیاده، و شناسه‌گذاری باز، محوری و گزینشی انجام شد شناسه‌گذاری باز فرایندی تحلیلی است که به وسیله آن مفهومی‌شناسایی، و ویژگی‌ها و ابعاد آنها در داده‌ها کشف می‌شود (استراوس و کربین، ۱۳۹۱). شناسه‌گذاری محوری فرایند مرتبط کردن مقوله‌های فرعی است. در شناسه‌گذاری گزینشی نیز یکپارچه کردن و پالایش نظریه صورت

1 - Symbolic interaction  
2 - Krahn & Putnam

می‌گیرد (استراوس و کرین، ۱۳۹۱). در پژوهش از دو نوع اول شناسه‌گذاری استفاده شده است. مشارکت کنندگان در این پژوهش تمام افرادی بودند که متقاضی طلاق در سال ۱۳۹۳ بودند. برای اینکه محقق بتواند طبقات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مختلف را در شهر تهران در نظر بگیرد، مجتمع قضایی شهید مطهری (جنوب تهران)، مجتمع قضایی شهید باهنر (مرکز تهران) و مجتمع قضایی شماره ۲ (شمال تهران) انتخاب شدند.

روش نمونه‌گیری، هدفمند و گلوله برفی بود. در روش کیفی، نمونه‌گیری بیشتر به شکل هدفمند (نظری) است تا اینکه بر نمونه آماری مبتنی باشد. نمونه‌گیری هدفمند یعنی انتخاب افراد نمونه بر اساس هدف پژوهش (هومن، ۱۳۸۵) و به کار بستن قضاوت و تلاش سنجیده برای به دست آوردن نمونه‌های معرف از طریق قرار دادن احتمالی حوزه‌ها و گروه‌های نوعی در نمونه از ویژگی‌های آن است (کرلینجر و فردریک نیکز، ۱۳۸۸). عموماً پژوهش‌های داده بنیاد با مشارکت هشت تا ۲۰ نفر انجام می‌شود و استفاده از حجم نمونه بیشتر می‌تواند عمق بررسی را کاهش دهد (استراوس و کرین، ۱۳۹۱).

در تحقیقات کیفی نمونه کوچک به پژوهشگر بیشتر امکان تسلط بر پاسخهای شرکت کنندگان و تفسیرهای فردی ارائه می‌کند و اشباع نظری نقطه پایان نمونه‌گیری را نشان می‌دهد (هومن، ۱۳۸۵). بنابراین با توجه به هدف پژوهش، روش نمونه‌گیری هدفمند اساس کار بود که از جامعه مشخص شده افرادی که از معیارهای ورود به پژوهش برخوردار بودند، مورد بررسی قرار گرفتند. معیارهای ورودی عبارت بود از: ۱ - حداقل مدرک دیپلم برای اینکه توانایی تحلیل وقایع و ارائه اطلاعات وجود داشته باشد. ۲ - گذشتن حداقل سه سال از زندگی مشترک زیرا طبق پژوهش‌ها طلاق معمولاً بعد از گذشت سه تا پنج سال از زندگی مشترک اتفاق می‌افتد ۳ - داشتن حداقل یک بار تقاضای طلاق زیرا هدف پژوهش بررسی دیدگاه افراد متقاضی طلاق بوده است ۴ - آمادگی و تمایل به مشارکت در پژوهش و توانایی انتقال اطلاعات برای داشتن انگیزه مشارکت و ارائه اطلاعات درست لازم و ضروری است. نمونه‌گیری تا حد اشباع نظری یعنی تا جایی که در جریان مصاحبه هیچ اطلاعات جدیدی به دست نیامد، ادامه پیدا کرد که در نهایت ۲۲ نفر مورد بررسی قرار گرفتند.

نمونه مورد مطالعه، شامل ۲۲ شرکت کننده بود. دامنه سنی شرکت کنندگان از ۲۰ تا ۴۷ سال و طول مدت ازدواج از سه سال تا ۳۰ سال متغیر بود. پنج نفر از شرکت کنندگان فرزندی نداشتند، پنج نفر از شرکت کنندگان دارای یک فرزند، ۱۱ نفر دارای دو فرزند و یک نفر نیز دارای سه

فرزند بود. میزان تحصیلات شرکت کنندگان نیز از دیپلم تا کارشناسی ارشد متغیر بود. دیگر اطلاعات در جدول قابل مشاهده است (جدول ۱).

جدول ۱: ویژگیهای جمعیت شناختی مشارکت کنندگان

مشارکت کننده	جنسیت	سن	تحصیلات	شغل	مدت ازدواج	تعداد فرزندان	مجتمع قضایی
۱	زن	۳۹	کارشناسی	کارمند	۲۲	۲	شماره ۲
۲	زن	۳۳	دیپلم	خانه‌دار	۱۸	۲	محلاتی
۳	زن	۴۷	دیپلم	آزاد	۱۱	۲	محلاتی
۴	زن	۳۶	کارشناسی	خانه‌دار	۱۱	۱	باهنر
۵	زن	۴۵	دیپلم	خانه‌دار	۲۷	۲	محلاتی
۶	زن	۴۷	دیپلم	خانه‌دار	۱۹	۲	محلاتی
۷	زن	۲۶	کارشناسی	کارمند	۸	-	باهنر
	مرد	۳۰	دیپلم	آزاد			
۸	زن	۳۵	دیپلم	خانه‌دار	۱۲	-	محلاتی
۹	زن	۲۰	دیپلم	خانه‌دار	۳	-	محلاتی
۱۰	مرد	۳۶	کاردانی	آزاد	۱۲	۲	باهنر
۱۱	زن	۴۱	دیپلم	آزاد	۲۳	۲	محلاتی
۱۲	زن	۴۲	دیپلم	خانه‌دار	۳۰	۳	محلاتی
۱۳	زن	۲۸	دیپلم	آزاد	۱۰	۱	باهنر
۱۴	زن	۳۶	دیپلم	آزاد	۱۳	۱	محلاتی
۱۵	زن	۲۹	کاردانی	کارمند	۴	-	شماره ۲
۱۶	زن	۳۱	دیپلم	خانه‌دار	۶	۱	محلاتی
۱۷	زن	۲۲	دیپلم	خانه‌دار	۸	۲	محلاتی
۱۸	زن	۴۹	دیپلم	آزاد	۲۵	۲	محلاتی
۱۹	زن	۳۰	دانشجوی کارشناسی	خانه‌دار	۳	-	باهنر
۲۰	زن	۴۴	کارشناسی	کارمند	۲۰	۲	شماره ۲
۲۱	مرد	۴۵	کارشناسی	مدیر مالی	۱۴	۲	باهنر
۲۲	زن	۳۶	کارشناس ارشد	مهندس	۱۱	۱	شماره ۲

در پژوهش‌های کیفی به جای دو مفهوم اعتبار و روایی از مفهوم قابلیت اعتماد استفاده می‌شود. برای رسیدن به معیار قابلیت اعتماد در پژوهش از سه شیوه متعارف و بسیار مرسوم استفاده شده که عبارت است از:

الف) کنترل یا اعتباریابی توسط اعضا که در این روش از مشارکت کنندگان خواسته می‌شود تا یافته‌های کلی را ارزیابی کنند و در مورد صحت آن نظر دهند. ب) مقایسه‌های تحلیلی به این معنی که به داده‌های خام رجوع می‌شود تا ساخت‌بندی نظریه با داده‌ها مقایسه و ارزیابی شود. ج) استفاده از شیوه ممیزی که در این زمینه، چند متخصص در کار نظریه زمینه‌ای، بر مراحل مختلف شناسه‌گذاری، مفهوم‌سازی و استخراج مقولات نظارت دارند (قدرتی و حسنی، ۱۳۹۴). در پژوهش در روش اول از شرکت کنندگان در پژوهش خواسته شد تا یافته‌های مطالعه را ارزیابی، و نظر خود را در مورد نتایج بیان کنند. در روش دوم، پژوهشگر در تمامی مراحل شناسه‌گذاری و ایجاد نظریه، رفت و برگشت مکرر به مصاحبه‌ها و داده‌های قبلی داشت تا اصلاحات لازم به عمل آید. و در روش سوم نیز متن مصاحبه‌ها برای بررسی دقیقتر شناسه‌گذاری، مفهوم‌سازی و استخراج مقولات به چند متخصص حوزه خانواده و ازدواج ارائه گردید.

### یافته‌ها

در این پژوهش، بعد از اجرا و ضبط مصاحبه‌ها و نوشتن یادداشتهای مربوط به هر یک از آنها، مصاحبه‌ها پیاده شد. شناسه‌های اولیه و جملات معنادار مصاحبه‌ها به دست آمد و عوامل اصلی، مؤلفه‌ها و زیر مؤلفه‌های مرتبط با هر یک مشخص شد (جدول ۲).

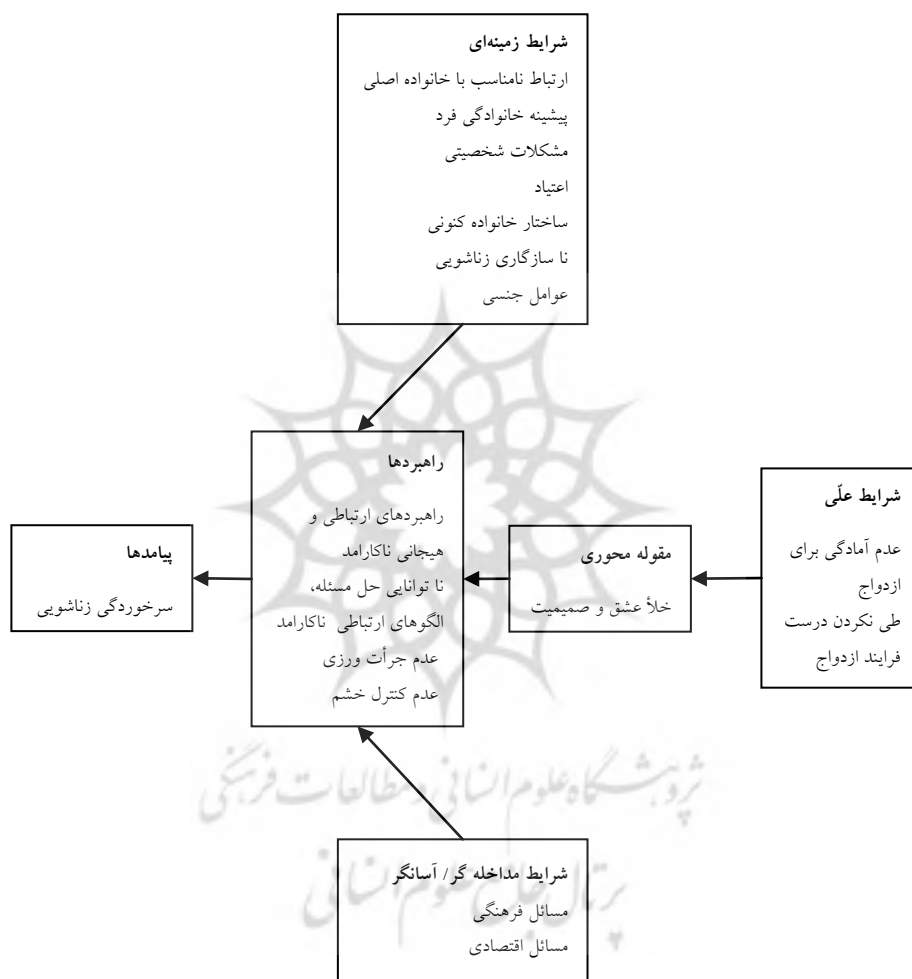


جدول ۲: عوامل اصلی، مؤلفه‌ها و زیر مؤلفه‌های زمینه‌ساز طلاق

عوامل اصلی	مؤلفه‌ها	زیر مؤلفه‌ها
فردی	عدم آمادگی برای ازدواج	عدم پختگی لازم، ناآگاهی
	پیشینه خانوادگی فرد	طلاق، تعارضات زناشویی مزمن، تعارضات ولی فرزندی، الگوبرداری منفی از والدین
	اعتیاد	اعتیاد در خانواده اصلی، اعتیاد در خانواده کنونی
	مشکلات شخصیتی	دل‌بستگی ناپایمن، درون‌نگری، روان رنجورخویی
	راهبردهای ارتباطی و هیجانی	نا توانایی حل مسئله، الگوهای ارتباطی ناکارآمد، عدم جرأت‌مندی، عدم کنترل خشم
اجتماعی و خانوادگی (خانواده مبدا)	ارتباط نامناسب با خانواده اصلی	مخالفت خانواده، عدم همراهی خانواده، تعارض با خانواده همسر
	فرهنگ جامعه	قانون شکنی، دینداری، نگرش جنسیتی
	مسائل اقتصادی	بی‌ثباتی درآمد، شغل
رابطه‌ای و فرایندی	طی نکردن درست فرایند ازدواج	شیوه نادرست انتخاب همسر، دلایل نادرست برای ازدواج، روابط قبل از ازدواج، مشکلات مربوط به دوره نامزدی و عقد
	ساخت نامناسب خانواده کنونی	ساختار قدرت، ساختار نقشها، مرزبندی
	ناسازگاری زناشویی	عدم انعطاف‌پذیری، تفکر ناسالم و غیر منطقی، ناهمسانی، عدم توافق، عدم حمایت و مراقبت، عدم رضایتمندی، عدم همکاری
	عوامل جنسی	نداشتن مهارت‌های جنسی، اختلالات عملکرد جنسی
	سرخوردگی زناشویی	سرخوردگی جسمی، سرخوردگی عاطفی، سرخوردگی روانی
	عدم عشق و صمیمیت	عدم صمیمیت هیجانی، عدم صمیمیت اجتماعی، تفریحی، عدم صمیمیت ارتباطی، عدم صمیمیت جسمانی، عدم احترام، عدم پذیرش یکدیگر، عدم اعتماد و صداقت

هم‌چنین نتایج تحقیق بر حسب شرایط علی، شرایط آسانگر و زمینه‌ساز، راهبردهای کنش و کنش متقابل و پیامدها مورد بررسی قرار گرفت. برای این کار، مقولات اصلی که از شناسه‌گذاری باز داده‌ها تکوین یافته است با یکدیگر مرتبط شد. ضمناً شناسه‌گذاری محوری، باید از ابتدای مصاحبه اول و شناسه‌گذاریها مد نظر قرار گیرد. مهمترین قسمت این شناسه‌گذاری، مشخص کردن مقوله محوری است. مقوله محوری در این پارادایم، عدم عشق و صمیمیت است. این مقوله، مقوله یا پدیده اصلی است که در بیشتر مصاحبه‌ها تکرار شده است و بقیه مقولات را می‌توان به آن، مرتبط ساخت و در ارتباط با این مقوله، عوامل علی، راهبردها، شرایط مداخله‌گر، شرایط میانجی و

همچنین پیامدها بررسی می‌شود. زمینه و شرایط مداخله‌گر روی راهبردها تأثیر مستقیم دارد (شکل ۱).



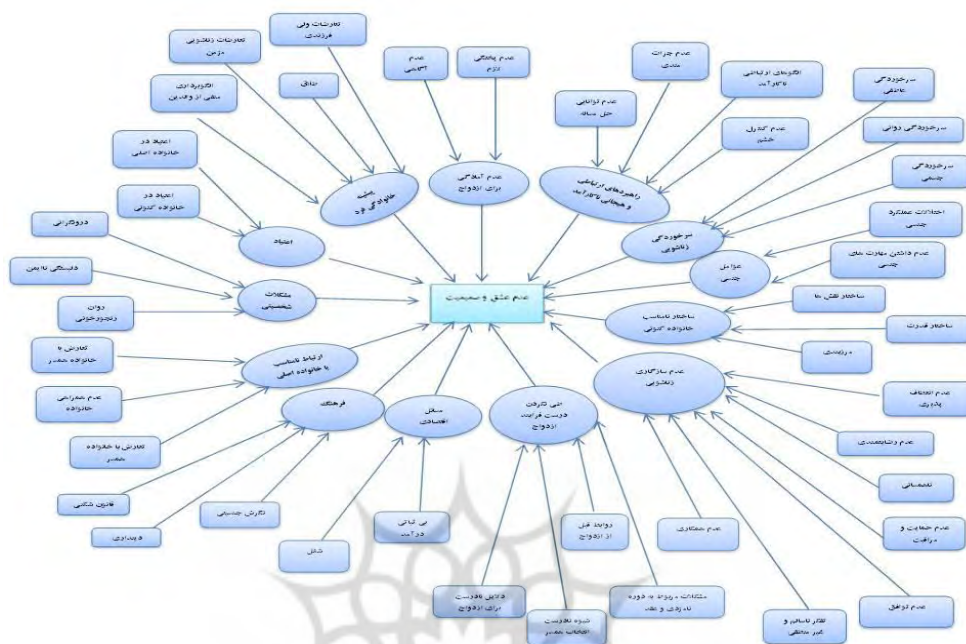
شکل ۱: الگوی عوامل اصلی، مؤلفه‌ها و زیر مؤلفه‌های زمینه‌ساز طلاق

در ادامه نمونه‌ای از اظهارات مشارکت کنندگان ارائه می‌شود (جدول ۳).

جدول ۳: نمونه‌ای از اظهارات مشارکت‌کنندگان

مؤلفه‌ها	متن مصاحبه
عدم آمادگی برای ازدواج	خیلی بده به نظرم آدم توی سن پایین ازدواج بکنه. اصلا نمی‌دونستم وارد زندگی میشی چیکار باید بکنی
پیشینه خانوادگی فرد	من دو ماهم بود که مادرم از بابام جدا شد.
اعتیاد	من اینو اوایل دوران نامزدیم متوجه شدم که علاقه به مصرف مواد داره. تا اون موقع این‌طوری نبود که بشه بهش بگی معتاد. اما بعدش دیگه آلوده مواد جدید هم شده بود
مشکلات شخصیتی	اصلا نمیتونست اینجا بشینه با کسی صحبت بکنه این قدر که استرسش زیاد بود یا نمیتونست سرکار یک ساعت بکوب وایسته. شاید توی یک ساعت بیست دفعه کارش و ول می‌کرد می‌رفت بیرون میومد یا لباس میپوشید میومد خونه و تا فردا برنمی‌گشت سرکار. الانم که دارو داره استفاده میکنه
راهبردهای ارتباطی و هیجانی ناکارآمد	- وقتی می‌خواست زورش به من برسه میومد می‌شست روی سینم و دستام و هم می‌گذاشت زیر زانوهایم تا میخوردم میزد، طوری شد که من الان تنگی نفس دارم. - کلا دوست داشت من زیون بریزم که منم توی این مورد موفق نبودم. من اخلاقم خیلی تنده رک بودم رک بودن من و دوست نداشتم. تند صحبت میکردم با مزاحش خوش نمیومد.
ارتباط نامناسب با خانواده اصلی	هیچ وقت با مادرشوهرم نتونستم کنار بیام چون ایشون به قصد و عمد آزار می‌داد. هر بار من با رفتار زشت‌تری از مادرش مواجه می‌شدم.
فرهنگ	می‌گفت زن‌ها نسبت به مردها برتری دارند، نباید تابع مردها باشند. ایشون به سری افکار فمینیستی داشت. می‌گفت توی ایران زن ارزشی نداره زن توی اسلام توسری خور شده
مسائل اقتصادی	چون شوهرم سرکار نمیرفت پول نداشتم وضعمون خیلی خراب بود.
طی نکردن درست فرایند ازدواج	- مهدی با من وارد رابطه عاطفی و احساسی شده بود و حرفای هیچ کس و نمیشنیدم نه حرفای نازگل نه حرفای مشاور، هیچ کدوم و نشنیدم. فقط دوست داشتم به مهدی برسم، همین. - بر اساس اجبار خانواده بود. من اصلا دوستش نداشتم ولی وارد این رابطه شدم.
ساخت نامناسب خانواده کنونی	- می‌گفت من سیستم پدربزرگ‌ها رو دارم مردسالارم. به اصطلاحی هم میگفت که خدای دوم زن، مرده. - شوهرم کاری کرد پسر با سیخ پارسال افتاد بچونم.
ناسازگاری زناشویی	- کلی اختلاف سر بچه داشتیم. الان مشکل عمده ما سر بچه‌هاست. - ایشون به خاطر لج و لجبازی و اینکه متمدن به نظر برسه این کارارو می‌کرد.
عوامل جنسی	رابطه جنسی مون هم از ماهی یک بار تبدیل شد به شش ماه یکبار. تقریباً از دو سال بعد از ازدواج این‌طوری شد. چون من شرایط خوبی نداشتم و زخم می‌شدم و دوری می‌کردم. اونم فکر نمی‌کرد این راه داره و باید همسرم و آماده کنم.
سر خوردگی زناشویی	- حالا دیگه من مریض شدم بیماری ام اس گرفتم دیگه حوصله ندارم. الان از نبودنش ناراحت نیستم. - هیچ چیزی نمیتونه علاقه من و تغییر بده دیگه. چون من نسبت به این زندگی سرد شدم. من حتی بهترین شرایطم در ذهنم در نظر میگیرم پول داشته باشه از لحاظ تفریح کم نگذاره باز میبینم من سرد شدم.
عدم عشق و صمیمیت	وقتی به آغوش باشه راحت میگیرم میخوابم ولی اون آغوشه نیست. بهش میگم دوست دارم و نیاز دارم به آغوش به اینکه کنارم باشی حتی اگر دارم اخبار میبینم دوست دارم کنارم باشی.

در الگوی تعاملی مؤلفه‌های محوری، اصلی و فرعی مرتبط با طلاق، ارتباط مقوله محوری با دیگر مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌ها نشان داده شده است (شکل ۲).



شکل ۲: الگوی تعاملی مؤلفه‌های محوری، اصلی و فرعی مرتبط با طلاق

## بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان داد که یکی از عوامل زمینه ساز طلاق، عدم آمادگی فرد برای ازدواج است. فردی که به پختگی لازم نرسیده است، نمی‌تواند ملاکهای درستی برای ازدواج داشته باشد و نگاهی که به ازدواج دارد، نمی‌تواند نگاهی مبتنی بر واقعیت باشد. همین امر موجب می‌شود بسیاری از مسائل را هنگام ازدواج نادیده بگیرد و یا انتظارات غیر معقولی از ازدواج و همسر خود داشته باشد. هم‌چنین، ممکن است نسبت به جنس مخالف و رابطه زوجی، آگاهیهای لازم را نداشته باشد و همین امر موجبات تنش و بی‌ثباتی رابطه را فراهم آورد.

هم‌چنین، یافته‌های پژوهش نشان داد که در ازدواجهای ناموفق افراد از همان نقطه شروع به بیراهه رفته‌اند. تصمیم‌گیری مبتنی بر احساس و اصرار برای ازدواج با فرد مورد نظر بدون شناخت حاصل از منطقی، می‌تواند فرد را به سوی انتخابی نادرست سوق دهد. نتایج پژوهش محققان نشان

داد که بخشی از موفقیت ازدواج ناشی از انتخاب صحیح همسر است. ازدواجهایی موفق است که طرفین شرایط لازم را برای انتخاب داشته باشند و بدون احساس اجبار بتوانند بین عقل و احساس خود تعادل ایجاد کنند (فتحی آشتیانی و احمدی، ۱۳۸۳). از سوی دیگر، انگیزه‌های نامناسب از جمله فرار از فشارهای دوران مجردی و فضای ناخوشایند خانه پدری و ازدواج اجباری ایجاد کننده نارضایتی و میل به طلاق است (محسن زاده، نظری و عارفی، ۱۳۹۰). بنابراین، فردی که از سر اجبار و یا دلسوزی و یا تحت تأثیر صحبت‌های اطرافیان و بدون توجه به ملاکها و معیارهای مناسب خود، ازدواج می‌کند، بدون آگاهی از واقعیت ازدواج وارد این مرحله از زندگی می‌شود و زیربنای محکمی برای شروع زندگی نخواهد داشت.

ارتباط و دوستی‌های قبل از ازدواج نیز یکی از موضوعات مهم فرهنگی و اجتماعی در جامعه ما به‌شمار می‌رود (کرامت و همکاران، ۱۳۹۲). همسو با یافته‌های این پژوهش در مورد داشتن روابط قبل از ازدواج، تحقیقات نشان داده است که دوستی‌های قبل از ازدواج با جنس مخالف، تغییرات نگرشی و ارزشی نسبت به جنس مخالف، همسر آینده، ماهیت ازدواج، تعهد و جایگزینهای ازدواج در خارج از چارچوب ازدواج را ایجاد می‌کند که این تغییرات، احتمال نارضایتی زناشویی بیشتر در افراد پس از ازدواج را موجب می‌شود (خلج آبادی فراهانی و شجاعی، ۱۳۹۲).

یافته‌های پژوهش نشان داد که شتاب در ازدواج و طی نکردن مراحل ازدواج با توجه به کارکردهای هر مرحله، می‌تواند پیامدهای ناخوشایندی را برای افراد رقم بزند. در جامعه ما ازدواج به‌صورت مرحله‌ای و فرایندی انجام می‌گیرد به‌طوری که بعد از دوران آشنایی، وارد مرحله نامزدی و سپس عقد رسمی می‌شوند. دوران نامزدی به دوره‌ای از زمان می‌گویند که با وعده ازدواج شروع می‌شود و با عقد رسمی پایان می‌گیرد و حداقل خانواده‌های اصلی دختر و پسر از آن آگاه هستند. گام سوم ازدواج، زمانی است که عقد رسمی بین نامزدها جاری می‌شود و به عقد یکدیگر در می‌آیند؛ به عبارتی دیگر، دوران عقد با عقد ازدواج آغاز می‌شود و با شروع زندگی مشترک پایان می‌یابد. مهمترین حریم و مرز زمان نامزدی، رابطه جنسی است. در صورتی که افراد در این دوره رابطه جنسی داشته باشند، فشار و اجبار بیشتری برای ازدواج احساس خواهند کرد و در این صورت فضای نامزدی از حالت طبیعی و واقعی خود خارج می‌شود (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۴). در دوران عقد نیز اگرچه منعی برای ارتباط جنسی وجود ندارد در فرهنگ جامعه ما برقراری رابطه جنسی کامل تا زمان شروع زندگی مشترک، می‌تواند پیامدهایی برای فرد داشته

باشد و تصمیم‌گیری فرد را برای ادامه رابطه تحت‌الشعاع قرار دهد.

یافته‌های پژوهش نشان داد که از دیگر مواردی که زندگی زناشویی را در مراحل بعدی تحت تأثیر قرار می‌دهد، اختلافات زوج و خانواده‌های آنها بر سر خرید و چگونگی برگزاری آداب و رسوم ازدواج است. خرید عقد، مراسم عقد، جهیزیه، مسکن، هدایا، مراسم عروسی و دیگر هزینه‌ها، میدان آزمون رفتارها و نگرشهای اقتصادی همسران و خانواده‌های آنهاست (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۴). این مسائل می‌تواند نگرش افراد را نسبت به یکدیگر تحت تأثیر قرار دهد به طوری که عمیقاً روابط زوج با یکدیگر و هم‌چنین روابط زوج با خانواده‌های اصلی را در آینده مخدوش سازد.

همسو با یافته‌های پژوهش، عامل فرهنگ نیز به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر بر پدیده طلاق شناخته شده است (ایراستورزا<sup>۱</sup>، ۲۰۱۶). هر جامعه و فرهنگی، قوانین خاص خود را دارد. در این زمینه یافته‌ها نشان داد که بی‌توجهی نسبت به قوانین جامعه و زیر پا گذاشتن و در پی آن تجربه زندان داشتن می‌تواند تأثیرات بدی بر روابط زوجی داشته باشد.

علاوه بر این، همسو با یافته‌های این پژوهش، تحقیقات نشان می‌دهد که یکی از تغییرات عمیق فرهنگی، که امروزه دامنگیر جوامع بشری شده، کم‌رنج شدن معنویت و کاهش تمایل به مناسک دینی و مذهبی است (فیض آبادی و خسروی، ۱۳۸۸). به‌طور کلی، می‌توان گفت رعایت مسائل دینی، با دوام ازدواج و در مقابل عدم شرکت در مراسم دینی، با از هم پاشیدگی زندگی زناشویی رابطه دارد (چیل<sup>۲</sup>، ۲۰۰۸).

تحقیقات نشان داده است که باورهای نقش جنسیتی و تغییر نگرشهای نقش سنتی، نیز تأثیر تعیین‌کننده‌ای در بی‌ثباتی خانواده دارد و با افزایش خطر طلاق ارتباط مثبت دارد (لوسیرگریر و آدلر باندلر<sup>۳</sup>، ۲۰۱۶). یافته‌های پژوهش نیز نشان داد که داشتن نگرشهای جنسیتی می‌تواند ثبات رابطه زناشویی را به خطر بیندازد. باور به اینکه زن باید از زندگی زناشویی محافظت کند و اگر مردی به خطا رفت این زن است که نتوانسته است همسرش را مدیریت کند و یا اینکه این زن است که باید ابرازگر عشق و علاقه باشد و به سمت و سوی مرد برود، همه در نگرشها و سوگیریهای ریشه دارد که در بافت فرهنگی جامعه رشد یافته است. هم‌چنین زنی که به‌دنبال نگرشهای ضد مرد

1 - Irastorza

2 - Cheal

3 - Lucier - Greer & Adler - Baeder

خود، خواهان برابری در زندگی زناشویی خود به دنبال این نگرش کمتر در خانه حضور دارد و نقش همسری و مادری خود را نمی‌تواند بخوبی ایفا کند.

همسو با یافته‌های این پژوهش، مسائل مالی و شغلی از جمله عوامل مؤثر در بی‌ثباتی زندگی زناشویی مطرح شده است (کیلوالد<sup>۱</sup>، ۲۰۱۶؛ گنزالز - وال و مارسن<sup>۲</sup>، ۲۰۱۷). مسائل اقتصادی و امور مالی را نمی‌توان نادیده گرفت. چه بسیار درگیریها و اختلافاتی هست که در اثر مسائل مالی پدید می‌آید. فشارهای اقتصادی موجب افزایش خشونت و کاهش رفتارهای گرم و حمایت‌کننده زوجین می‌شود. بنابراین، هنگامی که با مشکلات مالی روبه‌رو می‌شوند، تعامل مثبت بین آنها کاهش می‌یابد (توسلی و طاهری، ۱۳۹۴).

یافته‌های پژوهش نشان داد که در افراد متقاضی طلاق، خانواده‌های اصلی نقش مثبتی در زندگی زوج ایفا نمی‌کنند و تنش‌افزایی خانواده‌های اصلی از همان آغاز رابطه به شکل مخالفت با ازدواج زوج و عدم حمایت و همراهی زوج در مواقع نیاز و تعارضات با خانواده‌ها خود را نشان می‌دهد. دخالت یا اعمال نفوذ خانواده‌های اصلی، که غالباً به صورت پنهان و در پوشش‌های مختلف عرضه می‌شود، می‌تواند یکی از زیربناهای جدی تعارضات زناشویی از شروع تا پایان هر ازدواجی باشد. تجربه بالینی نشان می‌دهد که بیشترین موضوع مشاجرات زن و شوهر ایرانی را چگونگی رابطه آنها با خویشاوندان و یا خانواده‌های اصلی آنها تشکیل می‌دهد (حسینی و همکاران، ۱۳۹۳). عدم تایید ازدواج از جانب خانواده‌های اصلی زوج و یا وجود رابطه نامطلوب بین طرفین با مداخله‌گری یا انتقام‌جویی خانواده‌ها از رابطه زوج همراه می‌شود که می‌تواند به نوبه خود رابطه زناشویی را تحت الشعاع قرار دهد (چراغی و همکاران، ۱۳۹۴).

همسو با یافته‌های این پژوهش در ارتباط با پیشینه خانوادگی فرد، تحقیقات نشان می‌دهد که ساختار خانواده اصلی بر وضعیت زناشویی افراد تأثیر می‌گذارد (کانگ، کیم و لی<sup>۳</sup>، ۲۰۱۶). در این راستا، پژوهشها، تأثیرات طلاق والدین بر بهزیستی و هم‌چنین چگونگی رفتار فرزندان را نشان داده است (فلدهوس و هینتس مارتین<sup>۴</sup>، ۲۰۱۵؛ روزناتی، بارنی و آگلیا<sup>۵</sup>، ۲۰۱۴). تجربه تنش و نبودن در خانواده اصلی موجب می‌شود تا فرد در رابطه زناشویی خود نیز تنشهای بیشتری را تجربه

1 - Killewald  
 2 - González-Val & Marcén  
 3 - Kang., Kim & Lee  
 4 - Feldhaus.M & Heintz-Martin  
 5 - Rosnati, Barni & Uglia

کند (کانگ، کیم و لی، ۲۰۱۶)؛ به عبارتی دیگر، تعارضات زناشویی می‌تواند تعارضات ولی - فرزندی را به دنبال داشته باشد و در نهایت فرزندی که در چنین محیط‌های خانوادگی رشد می‌یابد، الگوهای غلط خانوادگی را در روابط با همسر خود تکرار، و نهایتاً زمینه‌های انحلال روابط زناشویی خود را پایه‌ریزی می‌کند.

یکی دیگر از عوامل بسیار مهم در پایداری و ناپایداری ازدواج، ویژگی‌های شخصیت همسران است. در این پژوهش، ویژگی درونگرایی به تشدید مشکلات و اختلافات کمک کرده است به گونه‌ای که یکی کم حرف و تودار بوده و تحرک و فعالیت کمتری در زندگی داشته و بیشتر خواهان زندگی محدود بوده ولی در مقابل دیگری پر جنب و جوش و اهل تفریح و مسافرت بوده و خواهان رفت و آمد با دوستان و آشنایان است. طبق نتایج مطالعات دیگر در این زمینه، زن یا شوهری که یکی از آنان برونگرا و دیگری درونگرا است، یکی تمایل به فعالیت‌های تازه و گوناگون دارد و از جمع لذت می‌برد در حالی که دیگری به آرامش و زندگی عادی و بدون تنش علاقه‌مند است در برقراری رابطه نزدیک و صمیمانه دچار مشکل می‌شوند (نادری، افتخار و ملازاده، ۱۳۸۹). بنابراین، زمانی که همسران نتوانند به نقطه‌ای مشترک در این زمینه برسند به مرور زمان از یکدیگر فاصله می‌گیرند و هر یک به زندگی فردی خود مشغول می‌شوند و نهایتاً زمینه‌های جدایی را فراهم می‌کنند.

روان رنجورخویی نیز، که با هیجانات منفی مشخص می‌شود، توانسته است پایداری رابطه زناشویی را تحت تأثیر قرار دهد. به دلیل همراه بودن این عامل با هیجانات منفی از قبیل اضطراب، افسردگی، خصومت، غم و غیره، این افراد توانایی کمتری در صمیمی شدن دارند (جابری و همکاران، ۱۳۹۳).

هم‌چنین، افراد با دلبستگی ناایمن نیز معمولاً در روابط خود ترس از طرد شدن دارند. این افراد به دلیل احساس اضطراب و طرد شدگی دائمی و هم‌چنین چسبندگی و دلبستگی شدید و احساس خطر دائمی بی‌وفایی از همسر، بیش از حد برای همسر خود از لحاظ روانشناختی مشکل ایجاد، و تا حدی با کنترل و چسبندگی دائمی به او، آزادیها و خودمختاری طرف مقابل را سلب می‌کنند. تحمل این نوع رفتار و ویژگی‌های همسر با دلبستگی ناایمن برای طرف مقابل مشکل ایجاد می‌کند و در درازمدت موجب سردی رابطه می‌شود (بیرامی و همکاران، ۱۳۹۱).

یافته‌های این پژوهش نشان داد که در خانواده‌های متقاضی طلاق ساختار قدرت به هم خورده است و تصمیم‌گیریها نیز بدون مشورت و نظر یکدیگر انجام می‌شود. علاوه بر این در چنین



خانواده‌هایی، زن و شوهر نسبت به نقشی که دارند کوتاهی می‌کنند و هم‌چنین مرزبندی‌های مشخصی بین زیرمنظومه‌ها وجود ندارد. فرزندان براحتی به زیرمنظومه والدینی رخنه می‌کنند و تصمیم‌گیری‌های آنان را با مشکل روبه‌رو می‌سازند. زیرمنظومه زن و شوهری براحتی تحت تأثیر دخالت‌های بی‌مورد دیگران قرار می‌گیرد و زن و شوهر از ایجاد یک سیستم مستقل زوجی عاجز و ناتوان هستند. مشکلات و اختلافات مربوط به ارتباط و صمیمیت از یک سو و تعادل قدرت و ساختار نقش در رابطه از سوی دیگر، موضوعات اساسی و محورهای اصلی زوجهای آشفته به‌شمار می‌رود. به‌طور کلی، استفاده از قدرت، کیفیت روابط عاشقانه را تحت تأثیر قرار می‌دهد (خاکپور و همکاران، ۱۳۹۴).

یافته‌های این پژوهش نشان داد که در خانواده‌های متقاضی طلاق، انعطاف‌ناپذیری در روابط و داشتن تفکر ناسالم و غیر منطقی، ناهمسانی در ابعاد گوناگون، عدم توافق بر سر مسائل مهم زندگی، عدم حمایت و مراقبت از یکدیگر در مواقع لازم و عدم همکاری با یکدیگر افراد را به احساسی از ناراضی‌ت می‌رساند و زمینه‌های ناسازگاری زناشویی را فراهم می‌آورد.

همسو با یافته‌های این پژوهش، عوامل جنسی یکی از عوامل مؤثر در گرایش زوجین به طلاق مطرح شده است (قنبری و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۱۷). روابط جنسی، جزئی از روابط عاشقانه بین همسران است و ناراضی‌ت از رابطه جنسی، می‌تواند به مشکلات عمیقی در روابط همسران و ایجاد تنفر از همسر منجر شود (چیستوفر و اسپرچر<sup>۲</sup>، ۲۰۰۰). به‌طور کلی، می‌توان گفت برای داشتن رابطه‌ای صمیمانه، رابطه جنسی بسیار مهم است (آذرتاش، ۱۳۹۰).

همسو با یافته‌های این پژوهش، نقش صمیمیت در رابطه زوجی در تحقیقات نشان داده شده است (بابایی و قهاری<sup>۳</sup>، ۲۰۱۶). یافته‌های پژوهش نشان داد که عشق و صمیمیت در روابط افراد متقاضی طلاق در سطح بسیار پایینی قرار دارد. زندگی زناشویی این افراد خالی از محبت و علاقه است و حتی مناسبت‌هایی مانند سالگرد ازدواج برایشان تعریف نشده است. معمولاً رابطه فردی داشتن و دلمشغول دنیای خود شدن را به بودن با همسر ترجیح می‌دهند و از بودن در کنار همسر لذتی نمی‌برند. عشق و اعتماد و احترام در روابط زوجی آنان رنگ می‌بازد و دیگر اولویت زندگی یکدیگر نیز نیستند. زوجین متقاضی طلاق برای یکدیگر ارزشی قائل نیستند؛ به یکدیگر گوش نمی‌دهند و یکدیگر را نیز قبول ندارند.

1 - Ghanbari & et al  
2 - Chistopher & Sprecher  
3 - Babaee & Ghahari

یافته‌ها نشان داد که ناتوانایی حل مسئله، الگوهای ارتباطی ناکارآمدی از قبیل قهر کردن، جبهه گرفتن و برخوردهای منفعلانه و ناتوانی در ابراز خود و خواسته‌های خود در رابطه زوجی، عمق اختلافات را بیشتر، و به تضعیف رابطه زوجی کمک کرده است. راهبردهایی که زوجین متقاضی طلاق به کار گرفتند، ناکارآمد بوده است و به تشدید مشکلات و اختلافها و در نتیجه فاصله گرفتن از یکدیگر منجر شده است. زوجین برای ترمیم رابطه آسیب‌خورده ناشی از اختلافات و تنشهای موجود و چنگ زدن به عشق و صمیمیتی که رو به زوال رفته است به راهبردهایی متوسل شدند که پایان رابطه را نزدیکتر کرد.

مفاهیم مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که انفعال زنان در رابطه زوجی وضعیت را بدتر می‌کند. چنین انفعالی در باورها و هنجارهای فرهنگی جامعه ما ریشه دارد؛ چرا که زن باید سکوت کند؛ آبروداری کند؛ زندگی را حفظ کند و دم نزند. زن خوب بودن یعنی اگر همسرت اعتیاد دارد، بتوانی ترکش بدهی. اگر همسرت خیانت می‌کند باید بتوانی او را به زندگی زوجی برگردانی. اگر بیکار است باید کار بکنی و زندگی را بگذرانی و حرف نزنی شکایت نکنی و زندگی را این‌گونه بگذرانی که همسرت می‌خواهد بی هیچ اعتراضی. در صورتی که برخورد منفعلانه و واکنش نادرست زنان نه تنها مسئله را حل نمی‌کند بلکه زمینه را برای گسترش مسائل و مشکلات بیشتر فراهم می‌آورد. در واقع زنان با عدم درخواست کمک و مقابله نکردن به دنبال ایجاد محیطی آرام برای خود و اطرافیان خود بویژه فرزندان هستند (ربانی و جوادیان، ۱۳۸۶).

با گذشت زمان و کارساز نبودن راهبردهای ناکارآمد، افراد به احساسی از خستگی می‌رسند و نسبت به شریک زندگی خود و ترمیم رابطه زوجی ناامید می‌شوند و موضع بی‌اعتنایی می‌گیرند. سردی از رابطه زناشویی و همسر تا جایی پیش می‌رود که آنها احساس انزجار و تنفر از همسر دارند و حتی آرزوی مرگ کسی را می‌کنند که سالهایی را با او سپری کرده‌اند. در نهایت به نقطه‌ای می‌رسند که دیگر تحمل وضع موجود را ندارند و برای رهایی از قید تعهدات زوجی و همسری که دیگر دوستش ندارند برای طلاق اقدام قانونی می‌کنند. علاوه بر این، احساس تنهایی و ترس از آینده‌ای نامعلوم برای خود و فرزندان و هم‌چنین مشکلات اقتصادی بعد از طلاق درگیری ذهنی بسیاری برای این افراد ایجاد کرده است.

در نهایت می‌توان نتیجه گرفت که به طلاق انجامیدن رابطه ناگهانی نیست بلکه فرایندی است که عوامل متعددی در طول این فرایند دست به دست هم می‌دهد تا افراد فرایندی تلخ و بی‌سرانجام را تجربه کنند.

## منابع

- آذرتاش، فاطمه (۱۳۹۰). اثر بخشی آموزش مهارت‌های جنسی بر کاهش تعارضات زناشویی زنان مراجعه‌کننده به خانه سلامت منطقه ۲. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.
- استراوس، انسلم؛ کریبن، جولیت (۱۳۹۱). مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای. ترجمه ابراهیم افشار. تهران: انتشارات نی.
- باستانی، سوسن؛ گلزاری، محمود؛ روشنی، شهره (۱۳۹۰). پیامدهای طلاق عاطفی و استراتژی‌های مواجهه با آن. فصلنامه خانواده پژوهی. شماره ۲۶: ۲۵۷ - ۲۴۱.
- بیرامی، منصور؛ فهیمی، صمد؛ اکبری، ابراهیم؛ امیری پیچاکلایی، احمد (۱۳۹۱). پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس سبک‌های دلبستگی و مؤلفه‌های تمایز یافتگی. اصول بهداشت روانی. شماره ۵۳: ۷۷ - ۶۴.
- پوراسدی، محمد؛ هاشمی، مجید (۱۳۹۱). بررسی پدیده طلاق و چگونگی حضانت فرزندان بعد از مفارقت. پلیس زن. شماره ۱۶: ۸۱ - ۵۴.
- توسلی، افسانه؛ طاهری، نرگس (۱۳۹۴). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر اختلاف‌ها و تعارضات اقتصادی زندگی زناشویی زنان شاغل و خانه‌دار شهر تهران. بررسی مسائل اجتماعی ایران. شماره ۵: ۳۹۰ - ۳۶۵.
- جابری، سمیه؛ اعتمادی، عذرا؛ جزایری، رضوان السادات؛ احمدی، سید احمد (۱۳۹۳). تعیین عوامل پیش‌بینی‌کننده صمیمیت زناشویی زنان شهر اصفهان. مطالعات زن و خانواده. شماره ۲: ۵۲ - ۲۵.
- چابکی، ام‌البنین (۱۳۹۲). مطالعه بین نسلی رابطه نگرش به طلاق و کارکردهای خانواده در زنان شهر تهران. مطالعات زن و خانواده. شماره ۱: ۱۸۵ - ۱۵۸.
- چراغی، مونا؛ مظاهری، محمدعلی؛ موتابی، فرشته؛ پناغی، لیلی؛ صادقی، منصوره‌السادات؛ سلمانی، خدیجه (۱۳۹۴). پیش‌بینی رضایت زناشویی براساس کیفیت ارتباط همسران با دو خانواده اصلی. راهبرد فرهنگ. شماره ۳۱: ۱۲۵ - ۹۹.
- حسینی، سید محمد؛ نظری، علی محمد؛ رسولی، محسن؛ شاکرمی، محمد (۱۳۹۳). رابطه سلامت خانواده اصلی با صمیمیت زناشویی: بررسی نقش واسطه‌ای سبک‌های حل تعارض سازنده و غیر سازنده. اندیشه و رفتار. شماره ۳۲: ۸۹ - ۶۷.
- خاکپور، ایمان؛ نظری، علی محمد؛ زهراکار، کیانوش (۱۳۹۴). پیش‌بینی سازگاری زناشویی بر اساس مثلث‌سازی و ساختار قدرت در خانواده. اندیشه و رفتار. شماره ۳۳: ۴۶ - ۳۷.
- خلج آبادی، فریده؛ شجاعی، جواد (۱۳۹۲). نگرش دانشجویان دانشگاه‌های تهران نسبت به تأثیر معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج در رضایت زناشویی. مطالعات راهبردی زنان. شماره ۶۱: ۱۸۹ - ۱۴۹.
- ربانی، رسول؛ جوادیان، سید رضا (۱۳۸۶). بررسی رفتار زنان در برابر خشونت شوهر. دانشور رفتار. شماره ۲۵: ۳۱ - ۱۹.
- صاحبدل، حسین (۱۳۹۴). شناسایی و اندازه‌گیری شاخص‌های ازدواج موفق. پایان‌نامه دکتری. دانشگاه خوارزمی تهران.

- فتحی‌آشتیانی، علی؛ احمدی، خدابخش (۱۳۸۳). بررسی ازدواج‌های موفق و ناموفق در بین دانشجویان. *دانشور رفتار*. شماره ۷: ۱۶ - ۹.
- فیض آبادی، سلیمه؛ خسروی، زهره (۱۳۸۸). سبک دلبستگی و تصور از خدا در میان زنان خواهان طلاق و غیر خواهان طلاق شهرستان کاشان. *اندیشه‌های نوین تربیتی*. شماره ۳: ۵۴ - ۳۷.
- قدرتی، حسین؛ حسینی، رضا (۱۳۹۴). بازآموزی معنایی تجربه فرایند منتهی به طلاق در میان زنان مطلقه شهر مشهد با استفاده از رویکرد نظریه مبنایی. *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*. شماره ۱۲: ۱۹۶ - ۱۶۹.
- کرامت، افسانه؛ موسوی، سید عباس؛ وکیلان، کتایون؛ چمن، رضا (۱۳۹۲). آسیب‌شناسی ارتباطات قبل از ازدواج از دیدگاه پسران دانشجو. *فصلنامه پایش*. شماره ۱۲: ۲۴۲ - ۲۳۳.
- کرلینجر، فردریک نیکلز (۱۳۸۸). *مبانی پژوهش در علوم رفتاری*. ترجمه حسن پاشا شریفی و جعفر نجفی زند. تهران: انتشارات آوای نور.
- کلاتری، عبدالحسین؛ روشن فکر، پیام؛ جواهری، جلوه (۱۳۹۰). آثار و پیامدهای طلاق، مرور نظام‌مند تحقیقات انجام‌شده در ایران با تأکید بر ملاحظات جنسیتی. *زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)*. شماره ۳: ۱۳۱ - ۱۱۱.
- محسن زاده، فرشاد؛ نظری، علی محمد؛ عارفی، مختار (۱۳۹۰). مطالعه کیفی عوامل نارضایتی زناشویی و اقدام به طلاق. *مطالعات راهبردی زنان*. شماره ۵۳: ۴۲ - ۷.
- مشکی، مهدی؛ شاه قاسمی، زهره؛ دلشاد وقایی، علی؛ مسلم، علیرضا (۱۳۹۰). بررسی وضعیت و عوامل مرتبط با طلاق از دیدگاه زوجین مطلقه شهرستان گناباد در سالهای ۸۸ - ۱۳۸۷. *افق دانش*. شماره ۱: ۴۴ - ۳۵.
- میرمحمد صادقی، مهدی (۱۳۸۴). *آموزش پیش از ازدواج*. تهران: سازمان بهزیستی کشور، معاونت امور فرهنگی و پیشگیری.
- نادری، فرح؛ افتخار، زهرا؛ ملازاده، صغری (۱۳۸۹). رابطه ویژگی‌های شخصیت با روابط صمیمی همسر در زنان دارای همسر معتاد. *زن و فرهنگ*. شماره ۹: ۹۸ - ۸۳.
- هومن، حیدرعلی (۱۳۸۵). *راهنمای عملی پژوهش کیفی*. تهران: انتشارات سمت.
- احمدی، حبیب (۱۳۸۳). *جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی*. تهران: انتشارات سمت.
- چابکی، ام‌البنین (۱۳۹۲). مطالعه بین نسلی رابطه نگرش به طلاق و کارکردهای خانواده در زنان شهر تهران. *نشریه مطالعات زن و خانواده*. شماره ۱: ۱۵۹ تا ۱۸۵.

- Allemand, M. (2008). Age differences in forgivingness: The role of future time perspective. *Journal of Research in Personality*, 42, 1137-1147.
- Babae, S. N., & Ghahari, S. (2016). Effectiveness of communication skills training on intimacy and marital adjustment among married women. *Health Sciences*, 5(8), 375-380.
- Baucom, D. H., Hahlweg, K., David C. Atkins, D. C., Engl, J., & Thurmaier, F. (2006). Long-Term Prediction of Marital Quality Following a Relationship Education Program: Being positive in a constructive way. *Journal of Family Psychology*, 20, 448-455.

- Cheal, D. (2008) Families in today's world. New York: Routledge.
- Christopher, F. S. & Sprecher, S. (2000). Sexuality in marriage, dating, and other relationships. *Journal of Marriage And Family*, 62, 999-1017.
- Dudak.A.(2013). fathers claiming custody of their children clients of psychological and legal counseling. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*.84, 1281 ° 1285.
- Feldhaus.M, Heintz-Martin.V(2015). Long-term effects of parental separation: Impacts of parental separation during childhood on the timing and the risk of cohabitation, marriage, and divorce in adulthood. *Advances in Life Course Research*, 26, 22-31.
- Ghanbari, E., Zadeh, F. A., Amirazodi, N., & Alam, A. A. (2017). The Effect of Communication Skills on Sexual Satisfaction with the Mediatory Effect of Personality Traits among Individual Filing for Divorce in Shiraz. *International Journal of Psychology and Behavioral Sciences*, 7(3), 83-89.
- González-Val, R., and Marcén, M. (2017). Divorce and the business cycle: a cross-country analysis. *Review of Economics of the Household*, 15(3), 879-904.
- Greenaway,E.S, Clark.S.(2017). Variation in the link between parental divorce and children's health disadvantage in low and high divorce settings. *SSM - Population Health*, 3,473-48.
- Hamidi.F, Abbasi Makwand.Z and Mohamad Hosseinic.Z.(2010) Couple therapy: forgiveness as an Islamic approach in counseling. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 5,1525° 1530.
- Hawkins, catalano and miller. (1992). Risk and protective factors for alcohol and other drug problems in adolescence and early adulthood: Implications for substance abuse problems. *Psychological bulliten*. 112,64-105
- Irastorza, N. (2016). Sustainable marriages? Divorce patterns of binational couples in Europe versus North America. *Ethnicities*, 16(4), 649-683
- Kalmijn and Monden.(2006) Are the Negative Effects of Divorce on Well-Being Dependent on Marital Quality? *Journal of Marriage and Family*, 68, 1197° 1213.
- Kang, J. H., Kim, J., & Lee, M. A. (2016). Marital status and mortality: Does family structure in childhood matter?. *Social Science & Medicine*, 159, 152-160.
- Killewald, A. (2016). Money, work, and marital stability: Assessing change in the gendered determinants of divorce. *American Sociological Review*, 81(4), 696-719.
- Krahn, G., & Putnam, M. (2003). Qualitative methods in psychological re-search. In M. C. Roberts & S. S. Ilardi (Eds.), *Handbook of research methods in clinical psychology* (pp. 177-195). Malden, MA: Blackwell
- Lucier-Greer, M., & Adler-Baeder, F. (2016). Gender Role Attitude Malleability in the Context of Divorce and Remarriage: A Longitudinal Growth Curve Perspective. *Journal of Adult Development*, 23(3), 150-162.
- Marinescu,L.(2016). Divorce: What does learning have to do with it?. *Labour Economics*, 38, 90-105.
- Rosnati,R, Barni.D, Uglia,D.(2014). Adolescents and Parental Separation or Divorce: The Protective Role of Values against Transgressive Behavior.*Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 140, 186-191.
- Sbarra.D.A, Hasselmo.K and Nojopranoto.W.(2012) Divorce and Death: A Case Study for Health Psychology.*Social and Personality Psychology Compass*, 6,905-919.
- Shakerian.A, Nazari.AM, Masoomi.M, Ebrahimi.P and Danai.S.(2014). Inspecting the Relationship between Sexual Satisfaction and Marital Problems of Divorce-asking Women in Sanandaj City Family Courts. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 114, 327 ° 333.
- Wai.S.T and Yip.T.H.J.(2009) Relationship among dispositional forgiveness of others, interpersonal adjustment and psychological well-being: Implication for interpersonal theory of depression.*Personality and Individual Differences*, 46, 365° 368.
- Williamson, H. C., Nguyen, T. P., Karney, B. R., & Bradbury, T. N. (2015). Are problems that contribute to divorce present at the start of marriage, or do they emerge over time? *Journal*

of Social and Personal Relationships .Advance online publication. doi:  
10.1177/0265407515617705.

Yip. P. S.F., Yousuf.s Hon Chan.C, Yung.T, Wu. K.C.-C.(2015). The roles of culture and gender in the relationship between divorce and suicide risk: A meta-analysis. Social Science & Medicine. 128, 87-94.

Young, M. E & Long, L. L. (1998) Counseling and Therapy for Couples Pacific Grove, CA: Broous/ Cole publishing Company.

